

یاد مردم

شهردان اربابان یا خوانندگان ۰۲۱۳۳۰۲۳۳۳۷

نظارت بر نرخ‌ها وظیفه کیست؟

در این روزها که گرفتاروشنی بیداد می‌کند و اغلب فروشندگان می‌گویند برو شکایت کن و مسئولان هم شماره تماس و سامانه اینترنتی معرفی می‌کنند این سؤال مطرح است که چرا همیشه مردم باید شکایت از گرفتاروشی را گزارش نمایند، مگر سازمان‌ها و اصناف متولی امر مبارزه با گرفتاروشی و نهاد‌های نظارتی همچون سازمان تعزیرات و بازرسان اصناف وظیفه نظارت بر نرخ‌ها را ندارند؟ آیا اگر این نظارت‌ها قوی باشد، کوچک‌ترین صفتی به‌خود اجازه خواهد داد که نسبت به تخطی از ضوابط و مقررات مربوط اقدام نماید تا کار به اعلام گزارش مردمی از آن صنف نرسد!

خلیلی از تهران

شرکت‌های بیمه جای پرداخت پول تعصیرات انجام دهند اغلب شرکت‌های بیمه هزینه‌های تصادف را پرداخت می‌کنند و پیگیری در خصوص هزینه کرد رقم پرداختی ندارند که باعث می‌شود اکثر مانسین‌هایی که در خیابان می‌بینیم تصادفی یا قرف شده باشند. همین هم باعث می‌شود درصورت بروز تصادف مجدد خسارت قبلی را گردن طرف مقابل بیندازند. بهترین کار این است که شرکتهای بیمه جای پرداخت خسارت نقدی به ارائه خدمات تعمیر و رفع نقص بپردازند تا هم با هزینه کمتر خسارت جبران شود و هم امکان سواستفاده‌های احتمالی گرفته شود.

خودروی تارا نیازمند کیفی سازی بیشتر است
خودروی تارا که با قیمت نجومی عرضه می‌شود باید مجهز به گزینه‌های بیشتری باشد و کیفی‌سازی در مورد آن صورت گرفته باشد. مثلاً می‌توان برای افزایش پایداری و کشش، سیستم چهارچرخ رانشر همیشگی (A.W.D)، به‌خودروی تارا افزود. امثال این اقدامات می‌تواند این خودرو را به انتخاب اصلی خریداران تبدیل کند.

سیاسی از تهران

	پیامک	
<div><div> </div><div><div>ارسال پیام کوتاه خوانندگان</div></div></div>	۰۲۱۳۳۰۲۳۳۹۱۶	<div><div> </div><div><div></div></div></div>

چرا مجتمع خیرساز الغدیر تویسرکان به نفع ایتم تکمیل نمی‌شود
۲۶سال از ساخت مجموعه تجاری خیرساز الغدیر تویسرکان می‌گذرد. مجموعه‌ای در ۴ طبقه در بیش از ۵۰۰ متر مربع زیربنا که قرار بود ساخته شود تا در آمدهای حاصله آن جهت ایتم تویسرکانی در مؤسسه دارالایتم تویسرکان هزینه شود. با گذشت سیسال‌ها تنها ۱۰در صد مجموعه بهره‌برداری شده و بقیه مجموعه به حال خود رها شده است. در مجموعه‌ای که برای ساخت آن با قیمت‌های امروزی حداقل ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه شده است و درصورت بهره‌برداری کامل می‌توان با در آمد حاصله از آن هزینه تمام ایتم تویسرکانی را تأمین کرد تنها چند مغازه درب ورودی اجاره داده شده است و بقیه مجموعه شامل داروخانه، کلینیک پزشکی، آزمایشگاه، مجموعه رفاهی اقامتی، رستوران و تالار پذیرایی با وجود تکمیل بودن به بهره‌برداری از سوی متولیان رسیده است و نه اجاره داده می‌شود.
هیأت امنا مؤسسه خیریه دارالایتم تویسرکان باید در مورد مجموعه خیریه الغدیر شفاف‌سازی نماید تا اعتماد مردم و خیرین را جلب نماید.همچین مجموعه‌های نظارتی به قوه قضاییه نیز با ورود به این پرونده شک و گمان‌ها را برطرف کند.

جمعی از خیرین تویسرکانی

یل روگذر تهران کرج به قزوین حفاظ ایمنی ندارد
متأسفانه پل روگذر تهران کرج به قزوین به نام پل فردیس، هیچ حفاظی ندارد و با توجه به عبور و مرور دائمی خودرو و گهگاه عبایرن از آن، خطر سقوط چه برای وسایل نقلیه – خصوصاً در شب – وچه برای عبایرن بسیار وجود دارد.
از مسئولان راهداری درخواست داریم تا نصب حفاظ، این پل را ایمن کنند.

	پیام	
<div><div> </div><div><div>نگرام با مردم</div></div></div>	@ngram	<div><div> </div><div><div>@bamardom_hamshahri</div></div></div>

شهرک نیايش شهر بوشهر نیازمند توجه فوری مسئولان شهرک نیايش شهرستان بوشهر باشکلات بسیاری رویه‌روست که شاید ذکر همه آنها در این ستون ننگیند اما به ترتیب اولویت از مسئولان شهری تقاضا داریم وهدایه‌ه که در مورد تبدیل زمین‌های خاکی محوطه شهرک به فضای سبزیز داده بودند عملی کنند. چاله‌ها و دست‌اندا‌های کوچک و خیابان‌ها را برطرف کرده و روشک آسفالت انجام دهند. سگ‌های ولگرد از محوطه جمع‌آوری شده و به نقطه امنی منتقل شوند. سطح‌های زباله ماکتیزه در گوشه و کنار شهرک نصب شود. روشنایی معابر و خیابان‌ها تأمین شود تا تاریکی زمینه‌ساز گسترش فعالیت سارقان نباشد. چاه فاضلاب رویاز در محوطه شهرک ک ایمن‌سازی شود و نسبت به تأمین امنیت محوطه این شهرک اقدامات فوری صورت گیرد.

جمعی از ساکنان شهرک نیايش بوشهر
خانم‌های شاعلی که همسر از کار افتاده دارند مشمول حق عالئمندی شوند
تعداد خانم‌های شاعلی که همسران معلول و از کار افتاده دارند کم نیستت با این حال حق عالئمندی و کمک هزینه فرزندان تحت تکفل به ایشان پرداخت نمی‌شود. این در حالی است که اکثر این افراد تنها نان آور خانواده هستند و هزینه‌های فرزندان هم برعهده آنهاست. از مسئولان درخواست داریم تا نسبت به پرداخت حق عالئمندی به این گروه اقدام کنند.

دانشگاه علوم پزشکی ایران سنوات کارکنان قراردادی را نمی‌پردازد
متأسفانه دانشگاه علوم پزشکی ایران از پرداخت سنوات سالانه کارکنان قراردادی امتناع می‌کنند این در حالی است که کارکنان قراردادی از مزایا و امنیت خاطر کارکنان رسمی بهره‌راند. دلیل این اهمال و تبعیض چیست و چرا کسی به داد نامی‌رسد؟
کسمايي از تهران

حوادث

هر ساله پرونده‌های جنایی زیادی در ماه رمضان و شب‌های قدر به صلح و سازش منجر می‌شود

بخشش ۶۵۰ زندگی

«هرچند عزیزم را از دست دادم اما برای رضای خدا تلاش را می‌بخشم.» این جمله را که بارها شنیده‌ایم، حسن ختام بسیاری از پرونده‌های جنایی است و یابانی شیرین بر حادتهای تلخ و غم‌انگیز. تلاش برای گرفتن رضایت از اولیای دم کار خیری است که این روزها خیرین زیادی در آن نقش دارند اما در برخی ایام سال کارهای خیر رونق بیشتری دارد؛ مثل ماه مبارک رمضان. این روزها که با شب‌های پریش قدر مصادف شده خیلی‌ها با تاسی به امام علی (ع) گذشت می‌کنند و به عشق مولا از حلق مسالم‌شان می‌گذرند. در این گزارش به گفت‌وگو با چند نفر که واسطه بخشش افراد زیادی شده‌اند و همچنین بررسی چند پرونده بخشش می‌پردازیم.

	گزارش	
<div><div> </div><div><div>محمد جعفری</div></div></div>	روزنامه‌نگار	<div><div> </div><div><div></div></div></div>

از ۷سالگی واسطه بخشش شدم
نامش شیخ علی زبید و از اهالی شهر سیستان اندیشک واقع در استان خوزستان است. او که به «زعیم شیخ علی بن ناصر آل نهبان» معروف است، پدرش از بزرگان عرب منطقه و مادرش نیز از طایفه بزرگ لر بود. به همین دلیل در جنوب کشور فردی سرشناس است و آنطور که می‌گوید از همین شهرت و اعتبار برای واسطه شدن در ۵۵۹ پرونده قتل استفاده کرده است.

اولین مر تبه چطور دست به میانجیگری زدید؟

پدر من از بسزگان عرب بود و افرادی که بسا یکدگر بدچار اختلاف می‌شدند سراغ پدرم می‌آمدند تا بین آنها میانجیگری کنند. یادم می‌آید زمانی که فقط ۷سال داشتم ۴خودرو با یکدیگر تصادف کرده بودند. آن زمان مثل حالا به بیمه خودرو و گواهینامه زیاد اهمیت داده نمی‌شد. در این تصادف یک راننده که لر بود با خودروی یکی از اهالی خوزستان تصادف کرده بود و ضمن وارد کردن خسارت باعث مصدمیت طرف مقابل هم شده بود. آنها برای پرداخت خسارت و دیه اختلاف داشتند و به خانه ما آمده بودند اما آن روز پدرم در خانه نبود. به همین دلیل مادرم من را همراه آنها فرستاد و من به خانه بزرگ طایفه‌ای که دچار خسارت شده بود رفتم. بزرگ آنها وقتی من را دید شناخت و به آن‌ها خبر داد. من از فردی که خسارت دیده بود خواست تا از شکایتش صرف‌نظر کند و او هم همین کار را انجام داد و این نخستین موردی بود که با حضور من یک اختلاف به صلح و سازش ختم شد. چند سال بعد پدرم فوت شد و بعد از او من راهش را ادامه دادم و در اختلافات مردم واسطه صلح و سازش شدم.

شده‌اید؟

از سال‌های دور که این راه را شروع کردم تاکنون در ۵۵۹ پرونده قتل میانجیگری کرده‌ام. من در پرونده‌هایی وارد می‌شوم که قتل عمدی نیست و نقشه قبلی نباشد و برای افرادی یادر میانی انجام می‌دهم که نادم و پشیمان باشند و اصلاح شده باشند. من به هیچ‌وجه به پرونده افراد چنانکتار، قتل‌های ناموسی یا تجاوز و… وارد نمی‌شوم. علاوه بر پرونده‌های قتل افرادی که دچار اختلافات ملکی، خانوادگی، مالی و… هستند هم سراغ من می‌آید و یکدک نفر خدای بیشتر موارد اختلافات به صلح و سازش ختم شده است.

در بین پرونده‌های قتلی که در آنها میانجیگری کرده‌اید کدام موارد برجسته تر بوده‌است؟
هر کدام از این پرونده‌ها ماجراهای خاص خود را دارد. مثلاً پرونده‌ای بود که من به لطف خدا موفق شدم در حالی که فقط ۲۴ ساعت از وقوع قتل می‌گذشت از اولیای دم رضایت بگیرم. در این پرونده اترق به یکدیگر

	زنی که واسطه بخشش بیش از ۴۰۰ قاتل شد	
<div><div> </div><div><div>جلب رضایت اولیای دم کاری دشوار و طاقت‌فرساست. افرادی که برای بخشیده شدن فردی که مرتکب قتل شده واسطه می‌شوند باید صبر زیادی داشته باشند و انتظار رو به‌رو شدن به هر برخوردی را داشته باشند.</div></div></div>	<div><div> </div><div><div></div><div><div>یکی از افرادی که در سال‌های اخیر توانسته واسطه بخشش بیش از ۴۰۰ قاتل شود زنی جوان به نام مریم کارگر دستچردی است. او که ساکن اهواز است برای بخشیده شدن افرادی که ناخواسته مرتکب قتل شده‌اند به شهرهای زیادی سفر کرده و آنطور که</div></div></div></div>	<div><div> </div><div><div></div></div></div>

خودش می‌گوید با وجود همه سختی‌هایی که این کار برایش دارد اما وقتی تلاشش به ثمر می‌نشیند فردی که در یک قلمی چوبه دار است به زندگی بازمی‌گردد خستگی همه آن تلاش‌ها از تنش بیرون می‌رود. او درباره راز موفقیتش و اینکه چطور می‌تواند اولیای دم را راضی به بخشش کند می‌گوید: هنگام رضایت گرفتن باید به اولیای دم هم حق داد. آنها عزیزشان را از دست داده‌اند و داغدار هستند. باید آنها را درک کرد. من چند مر تبه می‌روم و فقط حرف‌هایشان را گوش می‌کنم تا کمی سبک شوند. بعد تلاش می‌کنم آنها را آرام کنم و سپس دربار بخشش و فضیلت‌هایش صحبت می‌کنم. از طرفی من برای پرونده‌های قتلی که در شرایط خاصی اتفاق افتاده تلاش می‌کنم. مثلاً فردی در سن کم مرتکب قتل شده یا اینکه بر اثر حادثه مرتکب خطا شده و… من اول نزدیکان خانواده مقتول را واسطه می‌کنم تا با اولیای دم صحبت کنند و در نهایت با لطف خدا بخشش بدست می‌آید. او درباره یکی از سخت‌ترین پرونده‌هایی که تا به حال در آن حضور داشته می‌گوید: سخت‌ترین پرونده مربوط به جوانی بود که بر اثر یک حادثه تیراندازی، مرتکب قتل برادرش و دوست او شده بود. این حادثه ناخواسته اتفاق افتاده بود اما اولیای دم، چه مادر قاتل و چه اولیای دم دومین مقتول حاضر به بخشش نبودند و فرار بود منتم قصاص شود. در این‌باره تلاش‌های زیادی انجام شد تا اینکه در آخرین روز‌ها، مادر قاتل او را بخشید و توانستیم با پرداخت مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان رضایت اولیای دم دومین مقتول را هم جلب کنیم تا یکی از سخت‌ترین پرونده‌ها پایان شیرینی داشته باشد. در برخی پرونده‌ها با وجود صرف‌نظر کردن اولیای دم از قصاص قاتل اما آنها در خواست دریافت دیه می‌کنند و تهیه مبالغ سنگین دیه کاری دشوار و گاهی هم غیرممکن است. در این شرایط چطور دیه فراهم می‌شود. کارگر دستچردی در این‌باره می‌گوید: بعضی خانواده‌ها حاضر می‌شوند برای رضای خدا قاتل را ببخشند، اما در تعداد زیادی از پرونده‌ها اولیای دم مبالغ سنگینی را به‌عنوان دیه تعیین می‌کنند. در یکی از پرونده‌های قتل که مربوط به استان خوزستان است اولیای دم جوانی که در یک درگیری به قتل رسیده بود حاضر به بخشش قاتل نبودند و برای اجرای حکم قصاص اصرار می‌کردند اما در نهایت حاضر در دریافت دیه شدند و اعلام کردند ۸میلیارد تومان دیه می‌خواهند. برای تأمین این پول هنگفت همه‌اقوام محکوم به قصاص، زمین‌هایشان را فروختند و خیران زیادی هم مشارکت کردند تا در نهایت توانستیم دیه در خواستی اولیای دم را فراهم کنیم. جلب رضایت اولیای دم و ایجاد صلح و سازش در برخی از ماه‌های سال ا رونق بیشتری دارد و شاکیان به‌دلیل فضای معنوی راحت‌تر حاضر به گذشت از حق‌شان می‌شوند. مثل ماه مبارک رمضان. زین خیر در این‌باره می‌گوید: در رفته‌ام. اخیراً افرادی از اتباع افغانستان یکی از هموطنان مان را به قتل رسانده بود که واسطه بخشیده شدن او شدم. برعکس این ماجرا هم اتفاق افتاده یکی از هموطنان مان یک مرد داغمان را به قتل رسانده بود که از اولیای دم رضایت گرفتیم.

چند مورد از پرونده‌هایی که یکی از طرفین آنها خارجی بودند را توضیح دهید.
به‌دلیل اینکه در سال‌های اخیر در خوزستان و شهرهای جنوبی کشور در حوزه صلح و سازش شناخته‌شده افراد زیادی سراغم می‌آیند. مثلاً برای پیگیری پرونده‌ها به کشورهای عراق، قطر، ترکیه، بحرین و… رفتم‌ام. اخیراً فردی از اتباع افغانستان یکی از هموطنان مان را به قتل رسانده بود که واسطه بخشیده شدن او شدم. برعکس این ماجرا هم اتفاق افتاده یکی از هموطنان مان یک مرد داغمان را به قتل رسانده بود که از اولیای دم رضایت گرفتیم.

در ایام‌ماه رمضان وضعیت صلح و سازش چطور است؟

در این ایام مردم با یکدیگر مهربان‌تر هستند. اصلاً خدا به دل آنها می‌اندازد که ببخشند تا خودشان هم بخشیده شوند.

در این مدت واسطه بخشش چند نفر شده

فردی که پشیمان هستند و در زندان اصلاح شده‌اند تلاش می‌کنیم و به لطف خدا در ۲ سسال گذشته آمار خوبی در زمینه جلب رضایت اولیای دم در پرونده‌های قصاص داشته‌ایم.

	صلح و سازش کار من است	
<div><div> </div><div><div>روایت مردی که در ۲ سسال باعث بخشش ۵قاتل شده است</div></div></div>	کارهایی که انجام می‌دهد فراتر از کارهای یک کارمند ساده است. او که عضو شورای حل اختلاف زندان بندرعباس است تاکنون واسطه بخشش حدود ۵۰۰ پرونده محکوم به قصاص شده است. شاید به همین دلیل باشد که سال گذشته به‌عنوان یکی از کارمندان نمونه قوه قضاییه از او تقدیر شد. گفت‌وگوی ما با کارمند شریف‌خا را درباره چگونگی بازگشت ۵محکوم به قصاص از چوبه دار در ادامه می‌خوانید.	<div><div> </div><div><div></div></div></div>

شما و همکاران‌تان برای بخشیده شدن چه گروه از زندانیان محکوم به قصاص تلاش می‌کنید؟
هر زندانی شرایط بخشیده شدن را ندارد. مثلاً برای افرادی که مرتکب جنایت‌های ناموسی شده‌اند یا اینکه قتل‌ی که مرتکب شده‌اند با طرح و نقشه قبلی باشد و… برای این افراد که مجرمان حرفه‌ای هستند نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. ما بیشتر روی قتل‌هایی که ناخواسته هستند کار می‌کنیم. افرادی که سابقه‌ای ندارند و بر اثر یک حادثه مرتکب قتل شده‌اند. در همین حال ما

در زندان رفتار زندانیان را نیز نظار داریم و برای نجات

افرادى که پشیمان هستند و در زندان اصلاح شده‌اند تلاش می‌کنیم و به لطف خدا در ۲ سسال گذشته آمار خوبی در زمینه جلب رضایت اولیای دم در پرونده‌های قصاص داشته‌ایم.

در این مدت واسطه بخشش چند نفر شده

در بندرعباس در ۲سال گذشته حدود ۱۰۰نفر به اتهام قتل دستگیر و به قصاص محکوم شده بودند که در این مدت با تلاش همکارانم موفق شدم رضایت اولیای دم حدود ۵۰ پرونده را جلب کنیم. به این معنا که از هر دو قاتل یکی بخشیده شده است و این موفقیت بزرگی برای من و همکارانم در دادگستری و سازمان زندان‌های استان هرمزگان است.

کاری که شما انجام می‌دهید سختی‌های زیادی دارد و مدام بسا پرونده‌هایی که در آنها اتفاقات ناگواری رخ داده سرو کار دارید. آیا اگر باز هم به گذشته برگردیم همین کار را انتخاب می‌کنید؟
من حدود ۱۶سال است که کارمند سازمان زندان‌ها هستم. از ۲سال قبل به زندان بندرعباس منتقل و عضو شورای حل اختلاف زندان شدم و از همان زمان کارم را بر ای ایجاد صلح و سازش در پرونده‌های قتل آغاز کردم.

وضعیت صلح و سازش در ایام‌ماه رمضان خیلی از صلح و سازش‌ها در ماه رمضان، به‌خصوص شش‌ماهه قدر اتفاق می‌افتد. در این ایام تلاش ما هم برای جلب رضایت اولیای دم بیشتر می‌شود و آنها هم به لطف شرایط معنوی که این شب‌ها در اغلب حاضر به بخشش می‌شوند. امیدوارم که امسال هم قاصت‌ها به

لطف خدا افرادی را که از سر اشتباه و ناخواسته مرتکب جرم شده‌اند یا اینکه مرتکب جرائم مالی شده‌اند و توانایی پرداخت دیون‌شان را ندارند با کمک خیران و با بخشش شاکیان از زندان آزاد کنیم.

	اصفهان	۲۳ نفر	
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	مازندران	۶۷ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	آذربایجان غربی	۵۴ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	اردبیل	۱۱ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	همدان	۴۰ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	کرمانشاه	۲۴ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	ایلام	۷ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	خوزستان	۹۰ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	فارس	۶۷ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	خراسان جنوبی	۴ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	چهارمحال و بختیاری	۱۲ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	یزد	۹ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	کرمان	۲۸ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>
<div><div> </div><div><div></div></div></div>	سیستان و بلوچستان	۷۰ نفر	<div><div> </div><div><div></div></div></div>

سال گذشته هیات‌های صلح و سازش روزهای پرکاری را پشت سر گذاشتند

۶۵۰ بخشش در یک سال

در سال ۱۴۰۱ با ۱۶۰۰ محکوم به قصاص یا تلاش خیرین و هیات‌های صلح و سازش از مجازات قصاص نجات یافتند. در این میان سهم شورا‌های حل اختلاف در نجات محکومان به قصاص ۲۵۴ نفر بود و بقیه توسط اقسام مختلف جامعه، خیرین و گروه‌های نجات، از مجازات مرگ رهایی یافتند. در این میان آمار برخی از استان‌ها به شرح زیر است.

همشهری

گزارش ۲

نجات یافته از قصاص رضایت بگیر شد

برخی از افرادی که برای گرفتن رضایت از خانواده مقتولان تلاش می‌کنند، خودشان زمانی زیر تیغ بودند و سال‌ها پشت میله‌های زندان منتظر اجرای احکام قصاص. آنها خوب می‌دانند که معنی انتظار چیست. آن هم انتظار برای رسیدن روزی که قرار است حکم مرگشان اجرا شود و شاید به همین دلیل است که وقتی از زیر تیغ نجات یافته به فکر نجات افرادی افتادند که شرایطی مثل خودشان داشتند. یکی از این افراد حسن بابایی است. مردی که ۹سال به اتهام قتل در زندان بود اما پیش از اجرای حکم قصاص و در اسپسین لحظات اولیای دم از قصاص او گذشتند و به‌وی فرصت زندگی دوباره دادند. حسن بعد از نجات از چوبه دار داوطلبانه عضو گروه چتر نجات(گروهی که برای نجات محکومان به قصاص تلاش می‌کند) شد و از همان زمان تلاش برای نجات افرادی که سرنوشتی مشابه خودش داشتند را شروع کرد. یعنی کسانی که در جریان یک درگیری و بدون قصد قبلی توانسته بودند عصبانیت خود را کنترل کنند و در نهایت فرد دیگری را به قتل رسانده و بعد به قصاص محکوم شده بودند. او پس از نجات از قصاص حالا به سراغ خانواده‌های مقتولان می‌رود تا با پادرمیانی از آنها رضایت بگیرد و محکومان را که مثل خودش ناخواسته مرتکب قتل شده‌اند و از کاری که کرده‌اند پشیمان هستند، از مجازات مرگ نجات دهد. مهم‌ترین بخش‌های گفتوگوی همشهری با او را می‌خوانید:

■ اگر بگویم ناخواسته قاتل شده‌ام شاید باور نکنید اما من بی‌آنکه متوجه شوم جان مردی را گرفته‌م. من کارگر یک نابویی در کرج بودم و روز حادثه که بیستم فروردین سال ۹۰ بود مقتول که سرزند خودم ۲۸ساله بودم برای نابویی آمد. درگیری ما به‌خاطر پول خورد بود. صاحب کارم از او خواست که پول خرد بدهد اما مقتول مدعی شد که پول خرد همراهش نیست و آنها درگیر شدند. مقتول میله آهنی در دستش بود و من درحالی‌که چنگک نان در دستم بود برای وساطت به سمتش رفتم و اصلاً نمی‌دانم چه شد که در درگیری چنگک به او برخورد کرد و زخمی شد و پس از لروزش جانش را از دست داد.

■ ۹سال تمام در زندان بودم. اولیای دم در خواستشان قصاص بود و خب حق قانونی آنها بود که مرا مجازات کنند. چند وقت بعد تأیید حکم قصاصم در زندان به من ابلاغ شد و نمی‌دانید چه روزهای وحشتناکی داشتم. اینکه در زندان هر لحظه کابوس مرگ و چوبه دار ببینی و با هر صدایی دست و پايت بفرزد میاد مسئولان زندان نامت را بخوانند و بگویند در لیست اعدامی‌ها قرار گرفت‌ای. من آن روزها هر ثانیه مرگ را تجربه کرده‌م، هر ثانیه مردم و دوباره زنده شدم.

■ چندین بار از زندان با خانواده مقتول تماس گرفتم و حالایت طلبیدم. حتی مادرم و افراد دیگر نیز برای پادرمیانی به سراغشان رفتند و از آنها خواستند مرا ببخشند. مقتول متاهل بود و یک فرزند دررسال داشت که پدربزرگش قیم او بود. آنها در ابتدا حاضر به بخشش نبودند و در خواستشان قصاص من بود. تا اینکه گروه «چتر نجات» فرشته نجاتم شدند. آنها وقتی فهمیدند که توبه کرده‌ام و ناخواسته مرتکب قتل شده‌ام کمکم آمدند. مرهم چند سال قبل مسئولان و مددکاران زندان من این گروه معرفی کردند. مسئولان زندان تأیید کردند که از اشتباه بزرگی که مرتکب شده‌ام پشیمانم و در زندان خطایی از من سر نروده است. به این ترتیب با تلاش این گروه و مذاکرات فراوان سرانجام خانواده مقتول که روح بزرگی دارند به من زندگی بخشیدند و به کابوس‌های وحشتناک چوبه دار که در زندان می‌دیدم پایان دادند.

■ روزهایی که در زندان بودم شرایط سختی داشتم و هر صبح که بیدار می‌شدم و طلوع خورشید را می‌دیدم خدا را برای زنده ماندنم شکر می‌کردم. زندانیانی را می‌دیدم که از چند روز قبل به قرظینه منتقل شده‌اند و می‌توانستیم درک کنیم که چه شرایط سخت و دلهره‌آوری دارند. اینکه نمی‌دانستند تا چند روز دیگر زنده هستند یا نه. تجربه سختی است. خیلی از افرادی که می‌شناختم هرگز به زندان برنگشتند و قصاص شدند. روزی که یک زندانی قصاص می‌شد برای زندانیان خیلی سخت و غم‌انگیز بود. در شرایطی که زندانی برمی‌گشت و می‌توانست از اولیای دم مهلت بگیرد انگار دنیا را به من زندانیان دیگر داده بودند. همان روزها بود که تصمیم گرفتم اگر اولیای دم فرصت زندگی به من بدهند به محض آزادی به سراغ خانواده مقتولانی بروم که قاتلان‌شان سرنوشست مشابه من داشتند و ناخواسته و در درگیری و در یک لحظه عصبانیت نتوانستند خشمشان را کنترل کنند و تبدیل به قاتل شدند. بعد از آزادی از زندان عضو گروه شدم و در ابتدا تمام فکرم را متمرکز کردم روی آفرز هم‌سولوی‌هایم که سرنوشست مشابهی مانند من داشتند. تلاش‌هایم نتیجه داد و اولیای دم سرانجام راضی به بخشش شدند. البته که پر سه سختی را طی کردم. بارها به مقابل خانه‌هایشان رفتم و هر بار نامه‌ایم به‌رگشتم. اما به تازشم ادامه دادم، به پایشان افتادم و التماسشان کردم که ببخشند. از وضعیت خودم و زندگی آنها در زندان گفتم. از اینکه به‌شدت پشیمان هستم‌ند و از شدت عذاب وجدان بارها تصمیم گرفتند به زندگی‌شان پایان دهند. می‌دانستم سرانجام دلشان به رحم می‌آید.

■ من هیچ وقت لطف و مرحمت خانواده مقتول را که مرا بخشیدند، فراموش نکرده‌ام کرد. من در ملاقات با خانواده‌هایی که از قصاص گذشت کرده بودند متوجه شدم که آنها پس از بخشش به آرامش جسمیی رسیده‌اند. انتقام تنها راه نیست و چه بسیار خانواده‌هایی را ملاقات کردم که با اجرای حکم قصاص و انتقام، هرگز به آرامشی که فکرش را می‌کردند نرسیده بودند. من حالا در یک مزرعه آفتابگردان در روستایی در حوالی قزوین کار می‌کنم. باغدار هستم و کشاورزی می‌کنم، حقوقم خیلی بالانست اما از وقتی که آزاد شدمم و کار پیدا کردم ماهانه مبلغ اجیزی به گروه چتر نجات می‌پردازم. هر کس‌بی به اندازه وسعش جمع می‌شود و فردی را از مرگ نجات می‌دهد.